

مقاله پژوهشی

تبیین عوامل مؤثر بر ابهام در تاریخ‌گذاری بناهای مذهبی دوره ایلخانی

محمدعلی شیخ‌الحکمایی^۱، شروین میرشاهزاده^{۲*}، سیدغلامرضا اسلامی^۳، زهرا فنایی^۴

۱- گروه معماری، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

۲- گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳- گروه معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴- گروه هنر، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

(دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۷، پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶)

چکیده

یکی از ارکان اصلی شناخت هویت هر بنا، دست‌یابی به تاریخ بناست. تاریخ یک بنا به معنای شناخت بنا در بستر تاریخی آن است، به گونه‌ای که بتواند در ارتباط با زمینه شکل‌گیری اش به طور کامل فهم شود. مرور آنچه در ارتباط با نحوه شناخت مبدأ تاریخی بناهای مذهبی ایران به ویژه در دوره مغول (سده هفتم و هشتم هجری قمری) نگاشته شده است نشان می‌دهد، محققین و به ویژه شرق‌شناسانی که در باب معماری این دوره پژوهش و اظهارنظر کرده‌اند، به‌رغم تلاش‌های ارزنده‌شان، به دلیل نداشتن آشنایی عمیق با بستر جغرافیایی - طبیعی ایران از یک سو، و رخداد‌های سیاسی - مذهبی از سوی دیگر و همچنین در دسترس نبودن بسیاری از متون و منابعی که امروزه می‌تواند در اختیار محققان قرار گیرد، نتایج مطالعاتشان با خطاهایی همراه بوده است. به همین دلیل، موارد مبهم زیادی در پژوهش‌های انجام شده بر این دوره دیده می‌شود که گاه نتایج مطالعات قبلی را زیر سوال برده است. به همین منظور مقاله حاضر در پی شناخت دلایل ایجاد ابهام در تاریخ‌گذاری بناهای این دوره است. این که چه بر بناهای این دوره گذشته است و چه تاثیری بر آنها داشته است که تا بدین حد محققان را با خطا مواجه ساخته، موضوع پژوهش است و در این راستا مصادیق متعددی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. پژوهش مورد نظر پژوهشی کیفی است؛ که در برخورد با داده‌های پژوهش از شیوه توصیفی و تحلیلی بهره می‌برد. بر این اساس نگارندگان، نخست به بررسی و مطالعه کالبد بناهای منتسب به دوره ایلخانی پرداخته و سپس با مراجعه به متون و منابع تاریخی تلاش کرده‌اند به شناخت دقیق‌تری از دلایل ایجاد ابهام در کار پژوهشگران پیشین برسند. از این رو به منظور پرهیز دادن دیگر پژوهندگان تاریخ معماری، بر آن بوده است تا با دسته‌بندی عمده خطاهای صورت گرفته به الگویی برای تاریخ‌گذاری دست یابد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد عمده خطاهای صورت گرفته تحت تأثیر تغییرات ابنیه این دوران، چه در سازماندهی فضایی بنا، چه در الحاق تزئینات در ادوار بعدی و چه در استفاده از کتیبه‌های مختلف به کار رفته در این گونه بنا بوده است، که عمدتاً می‌توان گفت با انگیزه‌های سیاسی - مذهبی انجام می‌پذیرفته است.

کلید واژه‌ها: تاریخ‌گذاری، ابنیه مذهبی، قرون ۷ و ۸ ه.ق.، معماری ایلخانی، نقوش و تزئینات

این مقاله برگرفته از رساله دکتری محمدعلی شیخ‌الحکمایی با عنوان "تبیین عوامل مؤثر بر ابهام در تاریخ‌گذاری بناهای مذهبی ایران در سده ۷ و ۸ هجری قمری" است که به راهنمایی دکتر شروین میرشاهزاده و دکتر سید غلامرضا اسلامی و مشاوره دکتر زهرا فنایی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد به انجام رسیده است.

*- نویسنده مسئول: Email: She.Mirshahzadeh@iauctb.ac.ir

۱- مقدمه

اختلاف است و بعضاً موارد اختلاف در تاریخ گذاری به چندین دوره رسیده است.

- پژوهش‌هایی چون بررسی آرامگاه جاماسب حکیم که مبدأ تاریخی آن به واسطه عدم دقت در خوانش تاریخ کتیبه، متعلق به دوره سلجوقی دانسته شده است. ولی پژوهش بعدی باستانشناسی دقیق، نام‌های ذکر شده در متن کتیبه و نیز قرائت درست تاریخ بنا به این نتیجه رسیده است که زمان ساخت اثر متعلق به دوره آل اینجو بوده است (شیخ الحکمایی، ۱۳۸۸).

- بلر (۱۳۸۷ الف) در پژوهش‌هایش اذعان می‌دارد: مجموعه مزار شیخ عبدالصمد نظری بر اساس ویژگی‌های فرمی-فضایی و حتی نقوش و تزئینات بنا تا سال‌های سال اثری شاخص مربوط به دوره ایلخانی شناخته می‌شد که بعد از کاوش‌های صورت گرفته توسط باقر آیت الله زاده شیرازی در دهه ۱۳۷۰ شمسی در عمارت هشت ضلعی و کشف کتیبه‌ای با تاریخ ۳۸۹ ه.ق. این عمارت به کهن‌ترین گنبد تاریخ دار نواحی مرکزی ایران تبدیل شد.

- لاله (۱۳۸۱) شرح می‌دهد: مسجد جامع برسیان نمونه دیگری است از این دست پژوهش‌هایی که با کشف و بررسی مجدد کتیبه آن تاریخ بنا دچار تغییر گشته است.

- پژوهش‌های میدانی دیگری نیز وجود دارند که توسط کلایس (۱۳۸۱) و ویلبر (۱۳۶۵) صورت گرفته‌اند و در موارد متعددی در تاریخ گذاری آن ابنیه مشکوک‌اند.

آنچه که موجب ابهام در شناخت مبدأ تاریخی شکل‌گیری این دست از بناها شده است، در اکثر موارد به دلیل در دسترس نبودن مستندات لازم برای

بناها همواره در طول تاریخ دستخوش تغییر می‌شوند. این تغییرات سبب می‌شود مبدأ شکل‌گیری و پس از آن سیر تحول تاریخی هر بنا به شیوه‌ی درستی شناخته نشود. تاریخ‌نگاری و تاریخ‌گذاری به شناخت بهتر این وقایع کمک می‌کند. تاریخ‌نگاری در واقع مکتوب کردن هر آن چیزی است که در تاریخ روی داده است. حال آن‌که ممکن است سوی اصلی این امر، به دوره‌بندی تاریخی نیز ختم شود. برای رجوع به متون و منابع تاریخی ایران، در جهت معرفی معماری گذشته، نیاز به آشنایی با جزئیات تاریخ‌نگاری و منابع تاریخی و هم‌مدلی با فرهنگ حاکم بر آن وجود دارد (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

مشاهدات میدانی نگارنده مقاله نشان می‌دهد از دوره ایلخانی آثار زیادی به جا مانده است که به نوعی واجد عدم هماهنگی یا هم‌نوایی بین فرم، تزئینات و ساختار آن‌هاست. که خود ناشی از تغییرات متعددی است که این بناها در طول تاریخ داشته‌اند. این عدم هم‌نوایی بیشتر در بناهای مذهبی به جامانده از این دوره به چشم می‌خورد.

از طرفی مطالعات انجام شده در خوانش کتیبه‌ها نیز نشان می‌دهد این بناها عمدتاً متعلق به دوره‌ای غیر از آنچه تاکنون گمان می‌شده، هستند. از این رو مطالعات پژوهشگران قبلی را با ابهام‌های فراوانی همراه نموده است.

- از پژوهش‌هایی که در این رابطه صورت گرفته می‌توان به اختلاف نظر ویلبر و هرتسفلد در مورد تاریخ‌گذاری گنبد علویان اشاره نمود (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۶۴). این تحلیل‌ها غالباً در مرز بین دو دوره دارای

بنا خارج از مرزهای فعلی ایران قرار گرفته است. از میان این ۱۱۲ اثر داخل مرزهای امروزی ایران؛ ۴۴ بنا از نزدیک توسط نگارنده مورد بازدید قرار گرفته است. بعد از انجام مشاهدات میدانی، از بین ۱۱۹ بنای معرفی شده توسط ویلبر (۱۳۶۵)، پنجاه بنا که در تاریخ‌گذاری‌شان (حتی به صورت جزئی) ابهام وجود داشت، مورد بررسی قرار گرفت. از این بین ۳۲ بنا به صورت میدانی و ۳ بنا به صورت غیرمیدانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند (شایان ذکر است، از ۳۵ بنای مورد نظر، ویلبر تنها در مورد تاریخ‌گذاری ۲۳ بنا تردید دارد).

این پژوهش به لحاظ ماهیت از نوع کیفی است و در برخورد با عوامل مؤثر بر ابهامات ایجاد شده از روش توصیفی - تحلیلی در واکاوی داده‌های پژوهش استفاده می‌نماید. روش تجزیه تحلیل در این پژوهش، وابسته به نوع داده‌های گردآوری شده در هر بنا است. داده‌های بررسی شده در این پژوهش شامل داده‌های کتابخانه‌ای و داده‌های میدانی است. داده‌های کتابخانه‌ای خود شامل سه بخش هستند. **الف**، متون تاریخی درجه اول که توسط نویسندگانی از همان دوره به عنوان شاهدی عینی، نوشته شده است. **ب**، منابع تصویری؛ شامل نگاره‌ها، عکس‌ها، تصاویر و یا گراف‌هایی که توسط سفرنامه‌نویسان، شرق‌شناسان یا دیگران تهیه شده است. اطلاعات به دست آمده از این دسته از منابع در تحلیل‌های این تحقیق نقش مهمی دارند. **ج**، پژوهش‌هایی که به تجزیه و تحلیل کلی این دوره و یا تک‌نگاری بنایی از این دوره پرداخته‌اند. از سوی دیگر داده‌های میدانی که به صورت عینی با مشاهده و عکس‌برداری از ابنیه مورد نظر از نزدیک به دست

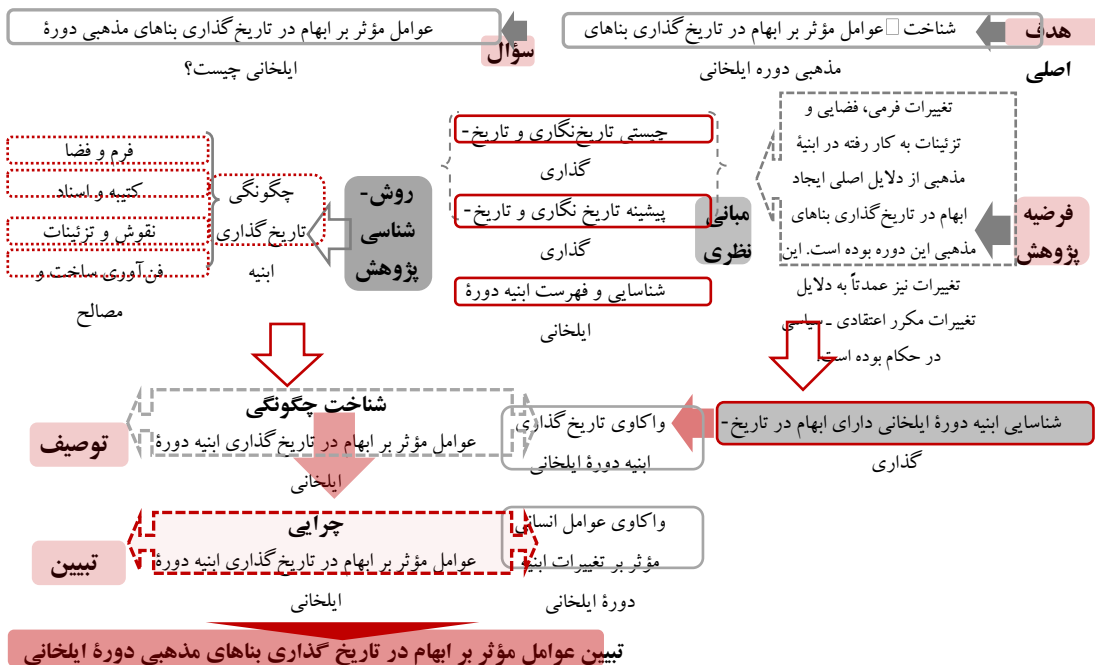
تاریخ‌گذاری، نظیر کتیبه و ماده تاریخ بوده است. از طرفی جزئیات به وجود آمده در طول تاریخ، بعضاً تخریب‌هایی که در فرم، فضا و تزئینات این بناها در طول تاریخ رخ داده است نیز بر ایجاد ابهام در تاریخ‌گذاری آنها مؤثر بوده است.

تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های انجام شده (که به برخی از آنها در متن بالا اشاره شد) از این دیدگاه است که این پژوهش با اتکا بر پژوهش‌های پیشین در مورد شناسایی مصادیق معماری دارای ابهام در تاریخ‌گذاری، ضمن انجام مطالعات میدانی بر روی مصادیق مورد نظر و استفاده از منابع تاریخی، سعی می‌نماید، مصادیق را تجزیه و تحلیل نموده و دلایل پرشماری خطا در تاریخ‌گذاری ابنیه این دوره را چه به لحاظ کالبدی و چه به لحاظ سیاسی - مذهبی مورد شناسایی قرار دهد.

از آنجاکه در طول تاریخ همواره بناها دستخوش تغییر می‌شوند، این تغییرات سبب می‌شود مبدأ شکل‌گیری و پس از آن سیر تحول تاریخی هر بنا به شیوه درستی شناخته نشود. بنابراین ضروری است تا با تبیین شاخصه‌های معماری هر دوره و تمایز بخشیدن آن از دوره‌های دیگر، از تداوم خطاها در پژوهش‌های بعدی در این ارتباط جلوگیری نمود. خطا در تاریخ‌گذاری بعضاً می‌تواند در شناخت ویژگی‌های مفهومی و تعیین‌کننده هر فضا در دوره متناظر آن، پژوهشگر را نیز دچار گمراهی نماید.

در پژوهش حاضر انتخاب مصادیق مورد مطالعه بدین ترتیب صورت گرفته است که در فهرست ابنیه ایلخانی مورد بررسی توسط ویلبر (۱۳۶۵)، از ۱۱۹ اثر که در بازه زمانی قرون ۷ و ۸ ه.ق. تاریخ‌گذاری شده‌اند، ۱۱۲ بنا در داخل مرزهای کنونی ایران و ۷

آمده است. با مقایسه این داده‌ها و انطباق با داده‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای (متون، تصاویر، پژوهش‌ها) دلیل اختلاف نظرها روشن می‌شود. در



نمودار ۱- فرآیند شناخت عوامل مؤثر بر ابهام در تاریخ‌گذاری ابنیه مذهبی دوره ایلخانی (مأخذ: نگارنده).

۲- پرسش‌های پژوهش

الف. چه مؤلفه‌هایی در ابنیه به جا مانده از قرون ۷ و ۸ ه.ق. بیشترین تأثیر را بر ایجاد ابهام در تاریخ‌گذاری آثار دوره داشته است؟

ب. با توجه به ابهام‌های متعدد ایجاد شده در تاریخ‌گذاری آثار به جا مانده از این دوره، دلایل کالبدی خطا در تاریخ‌گذاری ابنیه این دوره چیست و به چه صورت بایستی تاریخ‌گذاری نمود تا به نتایج صحیحی دست یافت؟ (تبیین روش‌شناسی تاریخ‌گذاری)

۳- انواع روش‌های تاریخ‌گذاری ابنیه

تاریخی

مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه تاریخ‌گذاری نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی که در تاریخ‌گذاری یک بنا متعلق به یک دوره تاریخی مؤثرند شامل چهار عامل؛ فرم و فضا، کتیبه‌ها و اسناد، نقوش و تزئینات و در نهایت فن‌آوری ساخت و مصالح هستند. (گدار ۱۳۸۷؛ گیرشمن ۱۳۷۴؛ هرتسفلد ۱۳۸۱؛ ویلبر ۱۳۶۵؛ بلر ۱۳۸۷ الف؛ کلایس، ۱۳۸۱؛ سیرو ۱۳۵۹؛ آیت‌الله‌زاده شیرازی ۱۳۵۹) برخی از این مؤلفه‌ها مانند کتیبه‌ها و اسناد

کالیس (۱۳۸۱) یکی از محققینی است که بر مبنای این مؤلفه در چند اثر به تاریخ‌گذاری پرداخته است. در پژوهش بازشناسی ارگ علیشاه تبریز نیز به کمک بررسی ویژگی‌های فرمی و فضایی بنا سعی در شناخت کاربری اصلی بنا شده است (منصوری و آجورلو ۱۳۸۲). دوره‌بندی‌های صورت گرفته پیرامون آثار نیز در موارد متعددی بر اساس ویژگی (فرم و فضا) صورت گرفته است. همین امر نیز به همراه خود خطای زیادی در تاریخ‌گذاری دوره‌های نزدیک به هم دارد. آنچه بیشتر از سایر سنجه‌ها و ابزارهای بررسی به کمک محققین در این نوع تاریخ‌گذاری می‌آید، انجام کاوش‌های باستان‌شناسی و به‌دست آوردن شواهد پنهان شده است که بیشترین کمک را در راستای شناخت صحیح‌تر ویژگی‌های فرمی بناهای آسیب دیده دارند. هرچند شایان ذکر است که این اکتشافات عمدتاً منجر به یافته‌هایی در شالوده و پی بناها می‌شود و کمتر می‌تواند فرم اصلی یا اولیه بناهای آسیب دیده را به محققین نشان دهد.

۳-۲- تاریخ‌گذاری بر اساس کتیبه‌ها و اسناد

مشخص‌ترین مؤلفه مؤثر بر تاریخ‌گذاری ابنیه دوره اسلامی و به‌خصوص ابنیه به جا مانده از قرون ۵ به بعد؛ تاریخ‌گذاری بر مبنای خوانش کتیبه‌ها است. کتیبه‌ها معمولاً اطلاعات بسیار زیادی در رابطه با تاریخ ساخت و یا تغییرات بعدی بناها (مرمت و تعمیر) می‌دهند. وجود شواهد نوشتاری به محققین کمک می‌کند تا اطلاعاتی همچون؛ بانیان و سازندگان بنا، معماران، کاربری اثر، سال شروع

تاریخی مطمئن‌ترین شیوه تاریخ‌گذاری به نظر می‌رسند. باین وجود اغلب ابنیه‌ای که تاریخ‌گذاری شده‌اند دارای کتیبه تاریخ‌دار از ابتدای شکل‌گیری نیستند و محققین به‌ناچار تحلیل‌های خود را بر مبنای سایر مؤلفه‌های تاریخ‌گذاری، پایه‌گذاری کرده‌اند. شایان ذکر است که این مؤلفه‌ها نیز در اصالت و ماندگاری همگی به یک اندازه قابل اطمینان نیستند. برخی از آن‌ها همچون اسناد تاریخ‌دار و کتیبه‌ها ممکن است بنا به هر دلیلی، دچار تغییر در اصالت خود شوند (قوچانی و شیرازی، ۱۳۶۷). نمونه‌های متعددی از این اسناد تغییر یافته را در سکه‌ها، متون و امثال آن می‌توان مشاهده کرد. از طرف دیگر دو مؤلفه کتیبه و تزئینات در مقایسه با فرم و سازه بنا، آسان‌تر می‌تواند دچار تغییر شود. زیرا تغییر و برهم زدن ساختارهای فضایی و یا سازه‌ای معمولاً به خاطر ابعاد، هزینه‌بر بودن و یا بنیادین بودن، با پیچیدگی و سختی بیشتری مواجه است.

۳-۱- تاریخ‌گذاری بر اساس ویژگی‌های فرمی و فضایی

معمولاً ابنیه‌ای که واجد عنصر تعیین‌کننده تاریخ به صورت عددی نیستند (مانند کتیبه‌ها) از طریق یکی از سه ویژگی دیگر یعنی فن‌آوری ساخت و مصالح، تزئینات و نیز فرم و فضا تاریخ‌گذاری می‌شوند. اولین معیاری که محقق، براساس آن تاریخ اثر را تعیین می‌کند، ویژگی‌های فرمی - فضایی اثر است. به این صورت که پژوهشگر بر اساس شناختی که از ویژگی‌های فرمی بناهای هر دوره دارد و انطباق آن با بنایی که مشاهده می‌کند، دوره اثر را تشخیص دهد.

از این رو پژوهشگرانی که توانایی خوانش صحیح نوع خط به کار گرفته در کتیبه‌ها را ندارند، عمدتاً دچار خطا شده‌اند.

۳-۳- تاریخ‌گذاری بر مبنای ویژگی‌های تزئینات و نقوش

در این شیوه، تاریخ‌گذاری بر اساس شناخت ویژگی تزئینات و نقوش رایج در دوره تاریخی مورد نظر از یکسو و مقایسه تطبیقی آن‌ها با تزئینات به کار رفته در اثر مورد نظر است. این روش نیازمند مطالعات میدانی است. پژوهش‌هایی چون مکی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۸) و فرهمند بروجنی و سلیمانی (۱۳۹۱) از این دست پژوهش‌ها به شمار می‌روند. البته گه‌گاه این مقایسه‌های تطبیقی با آثار دیگری از آن دوره همچون نگاره‌ها و یا نقوش منسوجات نیز انجام شده است. به‌عنوان مثال ویلبر مقایسه‌ای بین نگارگری‌های شاهنامه دموت^۱ و مقبره^۲ بایزید بسطامی کرده است. (ویلبر، ۱۳۶۵: ۹۳ و ۹۴) پژوهش‌های زیادی وجود دارد که در آنها محققین مؤلفه تزئینات را به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در تاریخ‌گذاری ابنیه مدنظر قرار داده‌اند. شایان ذکر است در پژوهش‌هایی که توسط گدار و یا ویلبر صورت گرفته است، مؤلفه نقوش و تزئینات همواره یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در دوره-بندی تاریخی ابنیه بوده است.

تزئینات و نقوش کتیبه‌ها را از ابعاد مختلف هنری، فنی، محتوایی نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد. سیر تحول این آثار نشان می‌دهد در هر دوره‌ای، تغییراتی در آن‌ها صورت گرفته است. این تغییرات بیشتر در جنس مصالح، نوع و کیفیت خط و در

ساخت و یا سال اتمام ساخت اثر و اطلاعات دیگری به‌دست دهند. همچنین سبک نوشتاری، نوع رسم الخط، متن و مفهوم نوشتار و اطلاعات ارائه شده در هر نوشتار یا کتیبه‌ای می‌تواند کلیدی برای شناسایی دورانی باشد که اثر بدان تعلق دارد. حتی پیداشدن سکه‌هایی در کاوشهای باستان‌شناختی که معمولاً دارای تصویر پادشاه، سمبل‌های مذهبی، نام پادشاه و محل ضرب است می‌تواند برای تعیین سن و قدمت اثر مفید باشد.

پژوهش‌های بلر (۱۳۸۷ الف)، قوچانی و آیت‌الله زاده شیرازی (۱۳۶۷) و هنرفر (۱۳۷۳) نمونه‌ای از پژوهش‌هایی هستند که خوانش کتیبه و یا اسناد مربوط به آن‌ها، سبب تغییر تاریخ اولیه اثر شده است. خوانش صحیح کتیبه تاریخ‌دار عمدتاً متکی بر شناخت حاصل از مطالعه متون تاریخی است. شناخت افراد، روابط آن‌ها، نسبت و حرفه آنان، در راستای شناخت بهتر شرایط و احوال سازندگان ابنیه بر همین امر متکی است. بسیاری از اطلاعات با اهمیت که پیرامون سابقه بنیان و یا امرایی که دستور به ایجاد یک بنا داده‌اند نیز از تحلیل اسامی موجود در کتیبه‌ها به‌دست می‌آید. نکته‌ای که بیش از هر چیز دیگر در مؤلفه کتیبه به‌عنوان یک عامل مؤثر در تاریخ‌گذاری واجد اهمیت است، خوانش صحیح کتیبه‌ها است. چه‌بسا بارها پژوهش‌های متعددی بر روی یک کتیبه صورت گرفته و هر بار به شکل متفاوتی خوانش شده است. به‌عنوان مثال؛ خوانش کتیبه‌های بسطام (عدل، ۱۳۶۴) و کتیبه‌های قلعه سمیرم (بلر، ۱۳۹۴) از این دست از پژوهش‌ها هستند. نکته حائز اهمیت دیگر در تحلیل تاریخ-گذاری، نوع خط به کار گرفته شده در کتیبه است.

تاریخ‌گذاری کرد.» (کلایس، ۱۳۸۱: ۱۲۱) همچنین در نمونه دیگری به نام امامزاده حاتم خوش (در ۲۱ کیلومتری جنوب کرج) می‌نویسد: «هسته مرکزی ساختمان گنبددار با نماهایی در جنوب و شرق که هر یک با طاق نماهایی تقسیم‌بندی شده، احتمالاً در دوره سلجوقی تا دوره ایلخانی ساخته شده است. این تاریخ‌گذاری بر اساس وجود بقایای بندکشی‌های تزئینی در جبهه بیرونی بنا انجام گرفته است.» (کلایس، ۱۳۸۱: ۱۲۳). از نکات دارای اهمیت در شناخت و بررسی تزئینات و نقوش، مصالح به کار رفته در تزئینات است. اهمیت شناخت جنس مصالح در تزئینات در این است که بعضاً بازسازی تزئینات در ادوار مختلفی رخ داده است. این بازسازی‌ها در کیفیت‌های متفاوتی نیز اجرا شده است و می‌تواند در شناخت مبدا تاریخی ساخت اثر ابهام ایجاد کند. به‌عنوان نمونه می‌توان از تغییرات صورت گرفته بر چیدمان کاشی‌های مقبره امامزاده سید اسحاق ساوه (تصویر ۱) و نیز چیدمان کاشی‌های اتاق گنبد حرم امام رضا (ع) (تصویر ۲) و همچنین بازسازی و سرقت کاشی‌های امامزاده یحیی ورامین (در دوره قاجار) (تصویر ۳) نام برد.

پاره‌ای موارد در محتوا رخ نموده است. نمونه‌های بسیار متعددی از پژوهش‌هایی که پیرامون تزئینات و به‌ویژه تزئینات دوره ایلخانی و یا قرون ۷ و ۸ ه.ق. صورت گرفته، موجود است. ولیکن مواردی همچون پژوهش‌های خودداری نائینی و پاک‌نژاد (۱۳۸۶)، شکفته (۱۳۹۱)، آزاد (۱۳۹۳)، مطلبی و اصلانی (۱۳۹۳) و انیسی (۱۳۸۹) بیشتر مخاطب بحث هستند؛ زیرا از تزئینات به‌عنوان یک مؤلفه مؤثر در جهت تعیین صحیح‌تر مبدأ تاریخی ابنیه بهره گرفته‌اند.

روش به کار گرفته شده توسط محققین غیر ایرانی در مورد تزئینات ابنیه تاریخی، غالباً متکی بر مطالعات میدانی و به شکل تحلیلی - توصیفی انجام شده است. کلایس در بررسی برج‌های آرامگاهی و امامزاده‌های شمال ایران از نمونه‌های متعددی یاد می‌کند که تاریخ‌گذاری این بناها را بر مبنای مؤلفه تزئینات انجام داده است. به عنوان مثال در مورد برج‌های آرامگاهی گورسارخانه بعد از تحلیل و بررسی تزئینات این برج‌ها می‌نویسد: «این تزئینات مشابه گچ‌بری‌های قرن ۱۴ میلادی است و بر اساس آن‌ها می‌توان برج را از دوره مغول تا دوره تیموری



تصویر ۱- امامزاده سید اسحاق ساوه (مأخذ: نگارنده). تصویر ۲. اتاق مقبره امام رضا (ع) (مأخذ: نگارنده). تصویر ۳. امامزاده یحیی ورامین (مأخذ: نگارنده).

۳-۴- تاریخ گذاری بر اساس فن آوری ساخت و مصالح

پژوهشگران تاریخ معماری معمولاً بر مبنای شناختی که از فن آوری رایج در دوره‌های مختلف دارند می‌توانند اثر را در دوره تاریخی مربوط قرار می‌دهند. انواع روش‌های طاق زدن، نحوه ایجاد ستون‌ها و پی‌سازی، انواع روش‌های برپایی گنبد، انواع گوشه‌سازی، توجه به ضخامت و برابر بودن دیوارها، از روش‌های مبتنی بر تحلیل فن آوری ساخت ابنیه است. همچنین کیفیت و نوع مصالح به کار رفته نیز عامل تعیین کننده دیگر در تاریخ گذاری بنا است. از سوی دیگر انواع روش‌های سالیابی از روی مصالح به صورت دقیق تر و با

روش‌های متعدد علمی در تاریخ گذاری آثار و ابنیه تاریخی انجام می‌شود (بحرالعلوم، ۱۳۹۲). بخش عمده پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون تحلیل‌های تاریخ گذاری غیر عددی (زمان مشخص و دقیق) آثار و ابنیه تاریخی مرهون ارزیابی‌های حاصل از مؤلفه فن ساخت و مصالح است. توجه به تاریخ گذاری تحت این مؤلفه غالباً توسط پژوهشگرانی با رویکرد باستان‌شناسی صورت گرفته است. گیرشمن (۱۳۷۴)، هرتسفلد (۱۳۸۱)، گذار (۱۳۸۷)، ویلبر (۱۳۶۵) و سیرو (۱۳۵۹ الف و ب)، از شاخص‌ترین پژوهشگران غربی هستند که بخشی از تاریخ گذاری بناها را بر مبنای این مؤلفه انجام داده‌اند. هرچند مطالعاتی که محققین و کاوشگران

۴- عوامل مؤثر بر تغییرات ابنیه در طول تاریخ

همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد یکی از دلایل اصلی خطا در تاریخ‌گذاری ابنیه این دوره، تغییرات مکرر ایجاد شده در آن‌ها است. عوامل تغییر آثار معماری را می‌توان از دو جنبه فنی (مصادیق عینی موجود) و جنبه تاریخی (که در متون تاریخی و جغرافیایی به آن‌ها اشاره شده است) مورد ارزیابی قرار داد. جهت بررسی و انجام مطالعات، آسیب‌شناسی، دسته‌بندی و تفکیک آسیب‌ها ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس عوامل آسیب‌رسان به بناهای تاریخی را در یک دسته‌بندی کلی می‌توان به عوامل طبیعی و عوامل انسانی تقسیم نمود. عوامل طبیعی به پدیده‌هایی گفته می‌شود که ناشی از نیروی طبیعت بوده و خارج از حوزه توانایی انسان است، مانند زمین‌لرزه، سیل، توفان و سایر موارد. اما منظور از عوامل مخرب انسانی، آن دسته تخریب‌هایی است که دانسته و ندانسته توسط انسان روی می‌دهد؛ همچون جنگ، مدیریت نادرست، بی‌توجهی به حفظ بناها و مرمت آثار تاریخی، تغییرات عملکردی و امثالهم. این عوامل در برخی از موارد منجر به تخریب و در موارد دیگر منجر به تغییر ابنیه گردیده‌اند. پس لازم است علل به وجود آمدن تغییرات و یا تخریب‌هایی که در ابنیه این دوره به وجود آمده شناسایی شود.

۴-۱- عوامل طبیعی مؤثر بر تغییر ابنیه تاریخی

مطالعات نشان می‌دهد که در اکثر موارد به دلیل در دسترس نبودن شواهد و مستندات لازم برای

ایرانی بعدها انجام داده‌اند، در موارد متعددی تاریخ‌گذاری اولیه بنا را بر خلاف نظر محققین غربی اثبات کرده‌اند (ر.ک. آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۵۹) و احمد صالحی کاخکی و همکاران (۱۳۹۳)).
روش‌های بررسی شده نشان می‌دهد موفقیت در دستیابی به نتایج تازه در تاریخ‌گذاری عمدتاً متکی بر شواهد میدانی و کاوش‌هایی است که در مراحل بعدی مطالعه اسناد به کمک محققین آمده است. در حالی که مواردی وجود دارد که تصورات محقق بدون پایه و اساس مطالعات بعدی را به انحراف بکشانند.

انتخاب روش مناسب تاریخ‌گذاری در هر بنا بسته به مؤلفه‌ها و امکانات قابل دستیابی است. تاریخ‌گذار باید مؤلفه‌های تاریخ‌گذاری را به دقت بشناسد و از خطاهایی که هر مؤلفه را تهدید می‌کند آگاه باشد. از این رو لازم است آنچه که باعث ایجاد خطا می‌شود را شناسایی نماید. مروری بر پژوهش‌های انجام شده (جدول ۱) در زمینه تاریخ‌گذاری ابنیه این دوره و مقایسه آنها باهم نشان می‌دهد تناقضات موجود در نتایج این پژوهش‌ها، حاصل عدم توجه به عواملی است که می‌تواند بر ایجاد خطا در تحقیق مؤثر باشد.

عوامل مؤثر بر ایجاد خطا در تاریخ‌گذاری بناها عبارتند از: ۱. تغییرات مکرر بنا در طول تاریخ. ۲. تغییرات عمدی در تاریخ کتیبه‌های موجود. ۳. تقلیدهای ناشیانه و یا هنرمندانه از تزئینات و نقوش ادوار گذشته به منظور همسان‌سازی نقوش ۴. تعمیرات فضاها و تغییرات عملکردی و فرم ابنیه است.

تاریخ‌گذاری، نظیر کتیبه، ماده تاریخ و ... آنچه که موجب ابهام در شناخت تاریخ شکل‌گیری این بناها شده است، به جز تغییرات انسانی، بعضاً تخریب‌هایی است که در فرم، فضا و تزئینات این بناها در طول تاریخ توسط عوامل طبیعی به وجود آمده است. ایران در یکی از مناطق حادثه‌خیز واقع شده و یکی از کشورهای است که بنا به موقعیت زمین‌شناسی، جغرافیایی و تغییرات آب و هوایی و اقلیمی، در معرض انواع آسیب‌های جدی ناشی از حوادث طبیعی چون زمین‌لرزه، سیل، طوفان، خشک‌سالی و امثالهم قرار دارد. گدار نیز معتقد است که زلزله به‌عنوان مهم‌ترین دشمن بناهای تاریخی ایران است (گدار، ۱۳۸۷: ج ۲، ۲۶۰).

مهم‌ترین ویژگی و وجه افتراق این پدیده از سایر عوامل، بروز به یک‌باره، بدون هیچ علامت قبلی و قدرت تخریب فوری آن است، به‌خصوص که بناها و آثار تاریخی عمدتاً از مصالحی چون آجر، سنگ و خشت ساخته‌شده که از مقاومت کشتی اندکی برخوردار و در برابر این پدیده به‌شدت آسیب‌پذیرند.

۴-۲- عوامل انسانی تغییر ابنیه تاریخی قرون ۷ و ۸ قمری

عوامل انسانی که ابنیه را دچار تغییر و تحول می‌کنند معمولاً تحت تأثیر یک عامل یا تلفیقی از عوامل هستند. این عوامل به‌طور خلاصه شامل مواردی همچون: ۱. فرهنگی - اجتماعی (تسلط اقوام مختلف بر یک سرزمین) ۲. سیاسی (جنگ، تغییر حکومت‌ها) ۳. اقتصادی (فقر اقتصادی، هزینه‌های زیاد نگهداری بناها) ۴. نزاع ادیان و مذاهب ۵. فنی

(کیفیت مصالح به کاررفته در ابنیه، ناآگاهی معماری و سازنده بنا، ناکارآمدی ابنیه) (تنهایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷-۱۰۳). به‌عنوان نمونه برخی از بناهای قرن ۷ و ۸ ه.ق. که تحت تأثیر عوامل انسانی دچار تحول شده‌اند بدین شرح است: تخریب بخشی از مسجد بزرگ بخارا توسط چنگیز در ۶۱۹ ق. (ویلبر، ۱۳۶۵: ۳)؛ سقوط بغداد در سال ۶۵۶ ق. و آتش زدن کاخ خلافت، مسجد بزرگ و مقبره خلفا توسط هلاکو (ویلبر، ۱۳۶۵: ۸)؛ نابود کردن تمام معابد غیر اسلامی در تبریز به دستور غازان‌خان تازه مسلمان شده در سال ۶۹۴ ق. (ویلبر، ۱۳۶۵: ۸)؛ معبد ارغونیه توسط غازان‌خان (که ساخت پدرش بود) ویران شد و به‌جای آن مسجدی بسیار زیبا بنا کرد (همدانی، ۱۳۹۴: ۲۰۸)؛ در سال ۱۰۱۸ ق. شاه‌عباس صفوی دستور تخریب عمارت‌های غازانی (مقبره غازان‌خان، مسجد جامع، خانقاه و مدارس) را صادر کرد (جنابیدی، ۱۳۷۸: ۸۲۸)؛ اشراف مسلمان، کلیساها و صومعه‌های مسیحیان نسطوری را آتش زدند (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۷).

از این دست شواهد (که به نمونه‌هایی از آنها در بالا اشاره شد) در منابع تاریخی بسیارند، جمع‌بندی آنها نشان می‌دهد عمده تغییراتی که بر اساس عوامل انسانی در ابنیه این دوره (به‌ویژه ابنیه مذهبی) به وجود آمده، به دلایل تغییراتی است که در ساختار دینی حکومت وقت رخ داده و یا به دلیل وجود اختلافات مذهبی بوده است. به‌عنوان مثال تحولاتی که بر نقوش و تزئینات گنبد سلطانیه انجام شده به دلیل تغییر مذهب حاکم وقت (الجاتو) از تسنن به تشیع بوده است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۶).

از آن قرار دارد. از میان آثار داخل مرز، ۴۴ بنا از نزدیک توسط نگارنده مورد بازدید و بررسی میدانی قرار گرفت. سپس از میان این ۱۱۹ اثر، پنجاه بنا که تاریخ‌گذاری‌شان، حتی به صورت جزئی دارای ابهام بود مورد بررسی قرار گرفت. از این میان ۳۲ بنا به صورت میدانی و ۳ بنا از طریق منابع مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این نکته نیز لازم به یادآوری است که از ۳۵ بنای مورد نظر، ویلبر تنها در مورد تاریخ‌گذاری ۲۳ بنا تردید نشان داده است.

در جدول یک عوامل ابهام در تاریخ‌گذاری ابنیه مورد تردید در مبدأ تاریخ‌گذاری با توجه به موارد مشاهده شده و یا گزارش شده نشان داده شده است. این سی و یک بنا توسط پژوهشگر به صورت میدانی مورد بررسی قرار گرفته است و از میان این تعداد ابنیه، نوزده بنای اول، ابنیه‌ای هستند که ویلبر نیز در تاریخ‌گذاری آنان تردید دارد ولی دوازده بنای بعدی که در ادامه آمده‌اند، ابنیه‌ای هستند که ویلبر در تاریخ‌گذاری آنان تردیدی اعلام نکرده است. این ابنیه به ترتیب تاریخ‌گذاری ویلبر (۱۳۶۵) در جدول یک بر مبنای عامل یا عوامل ابهام در تاریخ‌گذاری مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

۵- تجزیه و تحلیل مصادیق به منظور شناخت عوامل مؤثر بر ابهام در شناخت مبدأ تاریخی ابنیه ایلخانی

پرداختن به چهار جنبه اساسی انجام مطالعات تاریخ‌گذاری (فرمی - فضایی، نقوش و تزئینات، کتیبه، فن‌آوری ساخت و مصالح) که در بالا به آنها اشاره شد، در راستای یافتن عوامل مؤثر بر ابهام در تاریخ‌گذاری ابنیه مذهبی قرن ۷ و ۸ ق. نیز بود. زیرا جوهی که پرداختن به آنها موجبات شناخت مبدأ تاریخی بنا را فراهم می‌کند، خود می‌توانند به نوعی عاملی باشند که پژوهشگر را با خطا مواجه سازد. از این رو به جهت شناخت عوامل مؤثر بر ابهام در خوانش مبدأ تاریخی بناهای این دوره، لازم است معیارهای پیش گفته در مصادیق عینی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند تا مشخص شود هر یک از این عوامل چگونه توانسته پژوهشگران را گمراه ساخته یا پژوهش را با خطا مواجه سازد. انتخاب مصادیق مورد نظر پژوهش به صورت زیر انجام شده است:

از میان ۱۱۹ اثری که در فهرست بناهای دوره ایلخانی ویلبر (۱۳۶۵) از سده ۷ و ۸ ق وجود دارد، ۱۱۲ بنا در داخل مرزهای کنونی ایران و ۷ بنا خارج

جدول ۱- بررسی عوامل ابهام در تاریخ‌گذاری مصادیق ابنیه مذهبی قرون ۷ و ۸ ه. ق. (مأخذ: نگارنده)

نام بنا	قدیمی‌ترین عنصر تاریخ‌دار / عامل تاریخ‌گذاری
	عامل / عوامل ابهام در تاریخ‌گذاری (کتیبه، تزئین و نقوش، فرم و فضا، فن‌آوری ساخت و مصالح، متون و منابع، کاوش‌های باستان‌شناسی)
۱. مسجد	کتیبه ۴۶۱ مناره / تزئینات دوره مغول
پامنار زواره	کتیبه: عدم همخوانی وجود منار به تاریخ ۴۶۱ با تاریخ مسجد. تزئین و نقوش: تزئینات مغولی آروی تزئینات سلجوقی (گذار، ۱۳۸۷: ج ۴، ۱۲۸). فرم و فضا: ۱. نقشه فاقد ارزش (همان) ۲. تغییر فضاها و شکل و فرم.
	محراب احتمالی موجود ۶۲۳ / محراب قدیمی سرقت شده

<p>کتیبه: محراب ۶۲۳ که احتمالاً مربوط به این بنا است. فرم و فضا: مناره سنگی که تا سال ۱۱۹۲ موجود بوده است. فن آوری ساخت و مصالح: چند جرز ضخیم در گوشه غربی بنا مربوط به زمان محراب وجود دارد (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۱۴). سایر نکات: دو فرضیه پیرو این مسجد موجود: ۱. این مسجد در سال ۸۶۸ طبق وقف نامه ساخته شده است و محرابی از بنایی دیگر با تاریخ ۶۲۳ به آنجا منتقل شده (واتسون، ۱۳۹۰: ۲۷۲). ۲. این مسجد بر روی مسجدی قدیمی تر که محراب آن به سال ۶۲۳ است، ساخته شده (نراقی، ۱۳۴۵: ۹۲ و ۲۰۷) (دیولافوآ، ۱۳۸۵: ۲۱۸).</p>	<p>۲. مسجد میدان (میرعماد) کاشان</p>
<p>محراب ۶۶۳ / محراب قدیمی سرقت شده</p>	<p>۳.</p>
<p>کتیبه: محراب ۶۶۳ که موجود نیست. تزیین و نقوش: ۱. کاشی های دوره های مختلف (دیولافوآ، ۱۳۸۵: ۱۶۱). ۲. تکمیل تزیینات بنا با کاشی های ستاره ای شکل (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۲۱). فرم و فضا: حذف برج هشت گوشه (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۲۰). سایر نکات: تاریخ گذاری بر مبنای کاشی (تزیینات) و محراب سرقت شده احتمالی مربوط به این بنا صورت گرفته است.</p>	<p>امامزاده یحیی ورامین</p>
<p>کتیبه کاشی ۶۷۶ دیوار</p>	<p>۴.</p>
<p>کتیبه: ۱. جابجایی لوحه تاریخ دار از روی دیوار و انتقال به روی قبه (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۲۴). ۲. برهم خوردگی کتیبه دیواره. فرم و فضا: مسدود کردن درگاه جنوبی و افزودن محراب (فیض قمی، ۱۳۵۰: ج ۲، ۱۳۸)</p>	<p>امامزاده اسحاق ساوه</p>
<p>کتیبه بالای برج ۶۸۸ / کتیبه بدنه بنا</p>	<p>۵. مقبره علاءالدین ورامین</p>
<p>فرم و فضا: ۱. بلندی بالای کف عامل احتمالی وجود بنای مجاور (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۲۹). ۲. بی قرینه نبودن مدخل شمالی</p>	<p>تزیینات محراب</p>
<p>کتیبه: کتیبه های بدون تاریخ. تزیین و نقوش: ۱. محراب قدیمی تر در زیر محراب ایلخانی (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۲۹). ۲. محراب جدیدتر از ساختمان سلجوقی (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۲۹-۱۳۰). فرم و فضا: ۱. همجواری ابنیه ای که امروز نیست (همانجا). ۲. مسدود کردن دیوارهای شرقی و غربی (همانجا). سایر نکات: احتمال این که این بنا همان مدفن مذکور در سفرنامه حمدالله مستوفی نباشد نیز هست (فسایی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۷۰۷-۷۰۸).</p>	<p>۶. مسجد جامع سجاس</p>
<p>کاشی جلادار ۶۹۸ (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۳۵) / کتیبه ایوان ۷۰۳ - کتیبه صغه ۷۱۲</p>	<p>۷. مقبره پیربکران</p>
<p>کتیبه: حک «لا اله الا الله» بر روی سنگ مقدس (نوع و شکل رسم الخط قدیمی تر). تزیین و نقوش: بخشی از جزئیات دولایه ایوانچه ها. فرم و فضا: ۱. وجود اتاق گنبددار - شبستان گنبددار (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۳۲). ۲. عدم انطباق محور و محل قرارگیری محراب. ۳. عدم روابط صحیح فضایی در ورودی ایوان. ۴. وجود سنگ مقدس بدون حفظ حریم ولی بدون تغییر.</p>	<p>کتیبه مناره ۵۱۴ / کتیبه مناره ۵۱۴ - شبستان مسجد ۶۹۹ - خانقاه ۷۰۲ - ایوان جنوب شرقی ۷۱۳ - ایوان غربی ۷۱۷</p>
<p>تزیین و نقوش: ۱. گچ بری های حاشیه روی پایه های مسجد ایلخانی (احتمال تخریب سقف قبلی). ۲. سفال های تزیینی بدون لعاب ایوان غربی نسبت به ایوان شرقی. فرم و فضا: ۱. موقعیت نابجای منار در مسجد. ۲. حالت بن بست ایوان غربی. متون و منابع: ۱. این بنا را ظاهراً پس از درگذشت بایزیدی، در نیمه دوم قرن سوم هجری قمری ساخته بوده اند (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲: ج ۱، ۷۲ و ۷۳). ۲. وجود محرابی که خانی کف از آن نام می برد و تاریخ ۶۶۰ داشته که امروزه وجود ندارد (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۳۸). کاوش های باستان شناسی: ۱. مسجد بایزید اول (قرن اول تا سوم). ۲. آرامگاه آل کرت و برج مقبره تخریب شده. ۳. احداث سقف به تاریخ ۶۹۹ بر سقف سلجوقی</p>	<p>۸. مجموعه بایزید بسطام</p>
<p>کتیبه برج کاشانه ۷۰۰ / سردر برج ۷۰۰ و محراب ۷۰۲</p>	<p>۹. گنبد</p>
<p>فرم و فضا: ۱. تشابه ورودی مسجد با مساجد دیگر که به تاریخ گذاری آن ها ابهام وارد است (فرومد و اشترجان). ۲. فرمت خاص ترکیب مسجد و برج مقبره در پشت آن (نحوه ارتباط و موقعیت قرارگیری) با توجه به ساخته شدن هم زمان. ۳. عدم وجود مناره ورودی در تطبیق با نمونه مشابه آن (مسجد اشترجان). ۴. عدم وجود محور شاخص هدایت نمازگزاران به قبله.</p>	<p>غازان خان و مسجد جامع بسطام</p>
<p>کتیبه گنبدخانه مسجد ۳۸۹</p>	

<p>کتیبه: کتیبه‌ای که اشرودر بدان اشاره می‌کند «مسجد درون مسجد ساخته شده» که احتمال قدمت بیشتر مقبره را تأیید می‌کند (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۴۵). فرم و فضا: ۱. اختلاف ده درجه‌ای محورهای اصلی و محراب مسجد و مقبره (گدار، ۱۳۸۷: ج ۳، ۲۵۹). ۲. عدم هماهنگی و ارتباط صحیح راه ورودی مقبره (همانجا) ۳. مسدود شدن سردر نمای شمالی مقبره در حدود ۷۰۷ (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۴۵). ۴. نابودی خانقاه در حمله افغانان در پایان دوره صفوی در غرب مجموعه که فقط سردر آن باقی مانده (گدار، ۱۳۸۷: ج ۳، ۲۶۹). فن آوری ساخت و مصالح: از مشاهده گچ ریخته، قسمتی از تزئینات آجری قدیمی - تر پیداست و قدمت مقبره از مسجد بیشتر است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۴۵). کاوش‌های باستان‌شناسی: کشف کتیبه گنبدخانه به تاریخ ۳۸۹.</p>	<p>۱۰. مسجد جامع نطنز و بقعه شیخ عبدالصمد نطنزی</p>
<p>کتیبه سنگی مقبره ۷۱۶ / ایوان و کتیبه سنگی مقبره</p> <p>تزئین و نقوش: تزئینات ارزشمند ایلخانی (همچون بناهای نزدیک) در این بنا به چشم نمی‌خورد. فرم و فضا: ۱. طبق تصویری از لوئیجی پشه دیواره مقابل ایوان جنوبی (شاید محراب) حذف شده است. ۲. ورودی نامتناسب در غرب ایوان. متون و منابع: ۱. منار جنبان‌ها طبق سفرنامه ابن بطوطه و شاردن که نامی از آن‌ها نبرده‌اند احتمالاً بعداً بنا شده‌اند (حاجی - قاسمی و همکاران، ۱۳۸۳: ب: ۱۱۰). ۲. تصویر لوئیجی پشه در ۱۸۵۰ اطلاعات متفاوتی از همجواری بنایی دیگر و دیوار مقابل ایوان می‌دهد.</p>	<p>۱۱. منار جنبان (بقعه عمو عبدالله)</p>
<p>کتیبه سردر شرقی ۷۱۵ / -</p> <p>کتیبه: ۱. وجود کتیبه سلجوقی کشف شده سردر شمالی (هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۷۸). ۲. وجود کتیبه صلوات کبیره و خلفای اربعه. تزئین و نقوش: وجود مربع‌های کوچک تزئینی با عبارات الله، محمد، ابوبکر، عمر و علی، به طور پراکنده که احتمال می‌رود بنا، پیشتر با تزئینات اسامی خلفای اهل سنت تزئین شده (احتمالاً بنای سلجوقی) و سپس در حدود ۷۱۶ صلوات کبیره افزوده شده. فرم و فضا: نحوه ورودی گرفتن از شرق همچون جامع یزد و جامع اصفهان است ولی ورودی گرفتن از شمال همچون مسجد جامع فرومد است. به عبارت دیگر ورودی شمالی هندسه فضایی را در دسترسی به فضای داخلی به سهولت طی نمی‌کند و به نظر می‌رسد تغییراتی داشته است. فن آوری ساخت و مصالح: سازه منار جنبان منارهای باقی مانده (هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۶۷). متون و منابع: اشاره ابن بطوطه به مسجدی زیبا که آبی از وسط آن می‌گذرد (لاله، ۱۳۸۰: ۲۱) در صورتی که این آب در قسمت شمالی و مقابل سردر شمالی است، جایی که حدس بر وجود بنایی قدیم‌تر است که ایوان شمالی نسبت به آن شکل گرفته است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۵۴). کاوش‌های باستان‌شناسی: کشف کتیبه سردر شمالی در تاریخ ۱۳۳۳ (هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۷۸)</p>	<p>۱۲. مسجد جامع اشترجان</p>
<p>- / تزئینات ۶۴۰ تا ۶۷۰ (نظری ارشد، ۱۳۹۱: ۱۶۷-۲۰۰) تزئینات ۷۱۵ (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۶۴)</p> <p>کتیبه: کتیبه پیشانی بنا سوره دهر (انسان) آیه ۱ الی ۹ مرتبط با امام حسن و امام حسین (ع) پیشینه قدمت بنا را به دوره تسلط شیعیان بر این ناحیه بر می‌گرداند. تزئین و نقوش: عدم وجود دو عامل تزئینی رایج در دوره مغول یعنی گچ چند رنگ و کاشی لعابدار (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۶۴). فرم و فضا: ۱. شباهت با گنبد سرخ مراغه احتمالاً بنا مربوط به نیمه دوم قرن ۶ (مصطفوی، ۱۳۸۱: ۱۵۶ و ۱۵۷). ۲. مدخل سرداب در میانه محراب و در جایی نامناسب است. متون و منابع: قتل عام گسترده در این مکان طبق نظر پوپ بر اساس اعلام ادوارد براون از روی تاریخ جهانگشا جوینی و جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله صورت گرفته (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۵۲۳)</p>	<p>۱۳. گنبد علویان همدان</p>
<p>- / ۱. شباهت تزئینات آجری با رباط شرف و مقبره سلطان سنجر حدود (۵۰۰-۶۰۰) (گدار، ۱۳۸۷: ج ۴، ۲۷۷-۲۸۲). ۲. از روی شباهت با مقبره بازید بسطامی و مقبره الجایتو حدود ۷۲۰ (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۶۹)</p> <p>تزئین و نقوش: بر دیوار محراب از لای شکاف‌ها اثر تزئین گچی دوره قبل مشهود است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۶۹). فرم و فضا: ۱. عدم دقت در طراحی دو ایوان مقابل هم (گدار، ۱۳۸۷: ج ۲، ۲۵۹). ۲. پر شدن دیوار شرقی ایوان جنوبی در دوره مغول (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۶۹). ۳. نسبت میان ارتفاع ایوان‌ها و ابعاد صحن متفاوت‌تر از سایر نمونه‌های دیگر است (ایوان‌های بزرگ و صحن کوچک). ۴. شباهت ورودی مسجد با مسجد جامع اشترجان که در تاریخ‌گذاری ایوان شمالی آن نیز ابهام</p>	<p>۱۴. مسجد جامع فرومد</p>

<p>وجود دارد. متون و منابع: از آنجا که یاقوت حموی نامی از فرومد نمی‌برد، احتمالاً از کم اهمیتی این محل در پیش از مغول بوده است در نتیجه ویلبر و گذار احتمال اهمیت یافتن شهر فرومد در دوره مغول را مطرح می‌کنند (گذار، ۱۳۸۷: ج ۲، ۲۵۹) (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۶۹). سایر نکات: مسئله ایوان شمالی و ورودی خبر از محدودیتی نامعلوم می‌دهد که در تکمیل و حل مسئله‌ای ایجاد شده‌اند.</p>	
<p>کتیبه کاشی ۷۶۵ (افشار، ۱۳۵۴: ج ۲، ۱۳۱) / کتیبه ۷۶۵ - محراب ۷۷۷ - کتاب تاریخ جدید بزد و دستور ساخت مسجد در ۷۲۴</p>	
<p>۱۵. مسجد جامع یزد فرم و فضا: ۱. حذف مناره در قرن نهم. ۲. حذف آثار مسجد قدیم در دوره پهلوی و قبل تر. کاوش‌های باستان‌شناسی: عدم وجود آتشکده در محل گنبدخانه و ایوان جنوبی. سایر نکات: امکان وجود آتشکده در محل مسجد عتیق نیز ممکن است باشد.</p>	
<p>- / تشابه تزئینات محراب به مسجد جامع ورامین</p>	
<p>۱۶. بقعه امامزاده حسین ورامین تزئین و نقوش: سالم ماندن محراب بدین شکل تا به امروز بدون پوشش و مستقل. فرم و فضا: ۱. پلانی که ویلبر ارائه داده است و آنچه امروز مشاهده می‌شود ارتباط فضایی بسیار مبهمی ارائه می‌دهد و قابل درک نیست. ۲. تقدم تاریخ ساخت برج به محراب (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۹۱) متون و منابع: تصویری که مادام دیولافوآ کشیده است، محراب بدون پوشش دیده می‌شود.</p>	
<p>کتیبه خانقاه ۷۳۳</p>	
<p>۱۷. مقبره چلبی اوغلو سلطانیه کتیبه: احتمال ساخت خانقاه (۶۵۷-۶۸۳) قبل از برج با توجه به متن کتیبه (ثبوتی، ۱۳۷۰: ۱۰۶-۱۰۹). تزئین و نقوش: نقوش چلبیا شکل "علی" بر بدنه برج که تخریب نشده است. فرم و فضا: ۱. احتمال ساخت برج قبل از خانقاه (۷۳۳) به خاطر افول سبک آذربایجان بعد از ۷۳۵ (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۸۵-۱۸۶). ۲. عدم ارتباط فضایی برج با خانقاه. فن آوری ساخت و مصالح: مصالح پی برج، از داش کسن به دست آمده که معبدی است بدون تاریخ مشخص. سایر نکات: بازه زمانی که تاریخ ثبوتی معرفی می‌کند منطبق بر حکومت هلاکو، آباقآن و احمد تگودار است و بازه زمانی که ویلبر اعلام می‌کند اواخر حکومت ابوسعید است. تاریخ گذاری ثبوتی احتمالاً بر مبنی تشابه نام فرد دیگری که در قوینیه دفن است صورت گرفته است. از طرف دیگر تاریخ ویلبر تاریخی است که سلطانیه بعد از مرگ الجایتو (۷۱۶) به افول گردید و توسعه کمتر صورت گرفته است.</p>	
<p>محراب ۷۳۸ / کتیبه محراب ۷۳۸ - حفاری وسط صحن - گنبدخانه سلجوقی</p>	
<p>۱۸. مسجد جامع ابرقو فرم و فضا: ۱. محل قرارگیری محراب ۳۰ درجه‌ای جهت گیری مسجد نسبت به قبله صحیح. ۳. وجود خدای خانه همچون عتیق شیراز در وسط صحن. فن آوری ساخت و مصالح: عدم تناسب محراب ایوان شرقی با ایوان. متون و منابع: جامع خوب (طبق نوشته مقدسی). کاوش‌های باستان‌شناسی: ۱. احتمال کارکرد به عنوان آتشکده در دوره ساسانی به نقل از محمود موسوی (حاجی قاسمی و همکاران، ۱۳۸۳ الف: ۲۲). ۲. کشف نمونه سفال از دوره پارسی در زیر بخش خدای خانه.</p>	
<p>کتیبه‌ای به تاریخ ۷۵۵</p>	
<p>۱۹. مسجد جامع سمنان کتیبه: شباهت نام بانی مناره و تزئینات آن با برج پیرعلمدار و مناره مسجد تاریخانه دامغان ۴۱۷ (مخلصی، ۱۳۷۲: ۴۴). تزئین و نقوش: عدم وجود تزئینات تویی گچی دوره‌های سلجوقی و ایلخانی. فرم و فضا: ۱. مناره متعلق به مسجد میدان دوره سلجوقی بوده است که اکنون از بین رفته است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۹۷). ۲. گنبدخانه و شبستان شمال شرقی سلجوقی. کاوش‌های باستان‌شناسی: حفاری و گمانه‌زنی دهه ۵۰ و کشف بقایای آتشکده ساسانی (مخلصی، ۲۵۳۶: ۷۷).</p>	
<p>کتیبه ایوان جنوبی ۶۰۹</p>	

<p>۲۰. مسجد جامع گناباد</p>	<p>کتیبه: پوشاندن کتیبه سلجوقی زیر قوس مدخل شبستان شرقی (ملازاده، ۱۳۷۹: ۱۳۰). تزیین و نقوش: وجود گچ‌بری نام علی (ع) بصورت چلیپایی شکل. فرم و فضا: ۱. تغییر عمده محور بخش جنوبی نسبت به سه جبهه دیگر ۲. سطح بالاتر کف مسجد، احتمال ساخت مسجد بر خرابه‌های بنای قدیمی را تقویت می‌کند. کاوش‌های باستان‌شناسی: در گمانه‌زنی کف بنا بخش‌هایی از بنای قرن سوم بدست آمد (مجتبوی، ۱۳۷۴: ۱۵۵).</p>
<p>۲۱. مدرسه ملک زوزن</p>	<p>کتیبه ایوان ۶۱۵ / محراب سلجوقی</p> <p>کتیبه: ۱. وجود نام خلفای اربعه ۲. ابهام در خوانش کتیبه تاریخ‌دار باقی مانده ۳. استفاده از کتیبه با مفهوم خاص تسلط سنی‌ها بر شیعیان (پیروزی افراد با ایمان در ایوان جنوبی) (بلر، ۱۳۸۷: ۱۴۱). تزیین و نقوش: تزیینات شبیه به سبک هرات. متون و منابع: توسط یاقوت حموی بصره کوچک دانستن زوزن که بر اهمیت این شهر تأکید می‌کند (همان، ۱۳۳). کاوش‌های باستان‌شناسی: ۱. کشف محراب گچ‌بری سلجوقی ۲. کشف ستون‌هایی در فضای ایوان اصلی</p>
<p>۲۲. مسجد سنگی داراب</p>	<p>کتیبه ۶۵۲ محراب</p> <p>کتیبه: متن کتیبه محراب اشاره مستقیم به ساخت مسجد و رباط دارد و نه مرمت و توسعه. فرم و فضا: ۱. ساختار صلیبی شکل بنا. ۲. وجود حوض وسط و سقف مربعی باز بر روی حوض در وسط. فن آوری ساخت و مصالح: مصالح و سازه سنگی بنا چون سایر تأسیسات ایجاد شده توسط محمدین مبارز بر ساخته شدن بنا توسط وی تأکید دارد (شیخ‌الحکامی و حسنی، ۱۳۹۵: ۹۰ و ۹۱).</p>
<p>۲۳. هارونیه طوس</p>	<p>- / شکل بنا و گنبدخانه (حدود سلجوقی)</p> <p>تزیین و نقوش: وجود محرابی در بدنه شمالی بدون موقعیت قرارگیری صحیح. فرم و فضا: ۱. احتمالاً مقبره بابا لقمان از روی این بنا ساخته شده است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۵۸). ۲. سرپا ماندن بنا بعد از تخریب عمده طوس ۳. افزوده شدن بخش جبهه شمالی به گنبدخانه. فن آوری ساخت و مصالح: گنبدخانه مربوط به قبل از سلجوقی (هیلن‌براند به نقل از موسوی ۱۳۷۰). متون و منابع: ۱. تصویر لوئیجی پشه از بنا نشان از باز بودن جبهه شرقی و احتمالاً غربی بنا می‌دهد. ۲. ایوان جنوبی دارای مقرنس بوده که در مرمت امروزی دیده نمی‌شود. کاوش‌های باستان‌شناسی: کشف شبستانی (احتمالاً مربوط به مدرس) در نزدیکی جنوب این بنا خبر از بافت با اهمیتی دارد که این بنا در آن قرار داشته است.</p>
<p>۲۴. ارگ علیشاه تبریز</p>	<p>اسناد تاریخی مبنی بر دستور علیشاه به ساخت بنا</p> <p>تزیین و نقوش: ۱. محراب ساده آجری امروزی با محراب مرصع آراسته به قاب‌بندی زرین و سیمین اسناد تاریخی شهابتی ندارد. ۲. ناتمام ماندن تزیینات دیواره شرقی و غربی. فرم و فضا: ۱. پلان مستطیل شکل بنای شمالی و درگاه ورودی در سمت جنوب قرار داشته که همین مسئله می‌رساند که این بنا مسجد نبوده است. ۲. این بنا از الحاق دو بنا ایجاد شده است. فن آوری ساخت و مصالح: عدم کارکرد برج محراب به عنوان پشت‌بند. این برج در اصل محرابی به شکل یک پوسته نیم استوانه‌ای بوده که بعدها آن را پر کرده‌اند. متون و منابع: تصاویر متعددی از سفرنامه‌های شاردن و بعد از آن موجود است. کاوش‌های باستان‌شناسی: ۱. بنای شمالی که از کاوش بدست آمد بر بنای ارگ تقدم تاریخی دارد. ۲. وجود پی و داغ مناره‌ها و کارکردن مناره‌ها (چفت و بست شدن) با بدنه بنای قدیمی (شمالی) ۳. وجود پلکان سراسری که احتمالاً متعلق به پیش طاق بنای قدیمی بوده است.</p>
<p>۲۵. مسجد جامع ورامین</p>	<p>کتیبه ۱۷۲۲ ایوان</p> <p>تزیین و نقوش: ۱. از بین رفتن تزیینات تا ارتفاع دو متری از کف به علت سیل و آب‌گرفتگی □ ۲. تزیینات محراب مربوط به قرن نهم. فرم و فضا: ۱. هندسه نامتقارن نقشه بنا □ ۲. تفاوت محور عمودی با محورهای فعلی به‌ویژه قسمت جنوب غربی. کاوش‌های باستان‌شناسی: ۱. لایه‌های چندلایه پی (سه لایه کف متفاوت در زیر ایوان جنوبی) □ ۲. تفاوت آجر و ملات این آثار با مصالح پی‌ها. سایر نکات: □ مصالح متفاوت، محور متفاوت و پی پایین‌تر به مسجدی غیر از سده هشتم تعلق دارد. با توجه به ساخت شیعی شهر ورامین دور از ذهن نیست که جامع قرن ۸ را بر جای جامع قرن ۶ ساخته‌اند.</p>
<p>کتیبه ۶۳۳ / کتیبه گنبدخانه ۶۳۳ و تعمیرات بعدی ۷۶۳</p>	<p>کتیبه ۶۳۳ / کتیبه گنبدخانه ۶۳۳ و تعمیرات بعدی ۷۶۳</p>

<p>کتیبه: ناقص شدن کتیبه قرآنی. تزیین و نقوش: شباهت تزیینات داخل طاق‌ها با غرفه‌های گنبد سلطانیه (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۸۷). فرم و فضا: ناقص شدن هندسه فضا و کتیبه، نشان می‌دهد دو ردیف طاق در شرق بنا و یک ردیف طاق در جنوب شبستان و محراب بوده است که بخش جنوبی و محراب به هنگام احداث مسجد نو تخریب شده است. کاوش‌های باستان‌شناسی: در کاوش و خاکبرداری مجموعه، بقایای دیوار جنوبی شبستان و فرورفتگی محراب بدست آمد (دانشدوست، ۱۳۶۴: ۶۱).</p>	<p>۲۶. مسجد کرمانی مجموعه تربت جام</p>
<p>کتیبه‌ی ازاره گنبدخانه برخی ۵۱۲ و برخی ۵۵۷، دیواره شمالی گنبدخانه (۶۱۶)، کتیبه‌ی ضلع شمالی گنبدخانه (۷۱۲ و ۷۶۰)</p> <p>کتیبه: کاشی‌های متعدد ازاره که نظم آن‌ها بهم خورده است. تزیین و نقوش: لایه‌های مختلف و متعدد تزیینات (از بندکشی آهکی تا گچ‌اندود و نقاشی‌های آل‌بویه تا تزیینات متعدد و مفصل تر صفوی و نهایتاً آینه‌کاری‌های قاجاری).</p>	<p>۲۷. اتاق مقبره امام رضا (ع)</p>
<p>- / تزیینات و همجواری با بناهای مشابه</p>	
<p>تزیین و نقوش: تشابه تزیینات با نمونه‌های مشابه سردرهای دارای دو منار. فرم و فضا: ۱. عدم وجود سایر اجزای این بنا با وجود داغی اتصال بنایی در پشت آن. ۲. دسترسی به مناره از روی بام بنایی که موجود نیست صورت می‌گرفته است. سایر نکات: از مقایسه با نمونه‌ای چون اشترجان (که معلوم شد قدمت بیشتری دارد) می‌توان قدمت این بنا را بیشتر دانست.</p>	<p>۲۸. منار نظامیه ابرقو</p>
<p>کتیبه ۱۷۵۷ ایوان</p>	
<p>کتیبه: ۱. کتیبه‌های شامل آیات قرآن و شرح حال عارف. ۲. کتیبه‌ی دولایه ایوان. فرم و فضا: ۱. از بین رفتن مدرسه و خانقاه. ۲. پوشش بیرونی گنبد از بین رفته و پوشش داخلی نیز فرو ریخته است. کاوش‌های باستان‌شناسی: آثاری از الحاقات شامل مدرسه و خانقاه در کاوش‌های محوطه بنا به دست آمد (مقری، ۱۳۵۹: ۵۳)</p>	<p>۲۹. بقعه شیخ لقمان سرخس</p>
<p>روایت‌های غیر مستند</p>	
<p>فرم و فضا: ۱. جهت قبله ابتدا به شیوه اهل تسنن و بعدها به روش اهل شیعه تغییر کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ج ۳، ۲۰۳). ۲. در جبهه شرقی شبستانی پایین‌تر از کف صحن مسجد وجود داشته که بام آن بصورت سکو اندکی بالاتر از کف صحن قرار داشته (همان). متون و منابع: در تاریخ بیهقی آمده است که دو مسجد در سبزوار بود. یکی مسجد آدینه (پامنا) و دیگری مسجد سبز (۴۶۴) که ظاهراً در جای مسجد جامع امروزی سبزوار بوده است (مولوی، ۲۵۳۵: ج ۱، ۴۰۵-۴۰۷). سایر نکات: محل قرائت قرآن و بعد اعدام شیخ خلیفه در تاریخ ۷۳۶ مسجد جامع سبزوار بوده سات که پیش از تاریخ ساخت مسجد، کانون شیعیان سربرداران برای شورش علیه ایلخانان بوده است.</p>	<p>۳۰. مسجد جامع سبزوار</p>
<p>کتیبه ساخت ایوان غربی ۷۷۰ و کتیبه مرمت ۷۹۶</p>	
<p>فرم و فضا: این بنا شبیه ابنیه سلجوقی و توصیفات متون نیست. متون و منابع: اشاره ناصر خسرو به طاق عظیم مسجد جامع که عامل شد با این بنا تفاوت داشته باشد. کاوش‌های باستان‌شناسی: از کاوش‌های اخیر باستان‌شناسی در ۴۰۰ متری این بنا بدست آمد که محل بنا مذکور به جامع عظیم با این بنای امروزی تفاوت دارد و در مکان دیگری واقع شده است.</p>	<p>۳۱. مسجد جامع قائنات</p>

۶- جمع بندی عوامل ابهام در تاریخ

گذاری ابنیه دوره ایلخانی

بر پایه مطالعات و بررسی‌های میدانی انجام شده بر بناهای منتسب به دوره ایلخانی با هدف دستیابی به دلایل ابهام در تاریخ‌گذاری بناهای این دوره، و جمع‌بندی اطلاعات و ویژگی آنها به صورت فشرده

در جدول ۱، می‌توان مهمترین عوامل ابهام در

تاریخ‌گذاری را به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

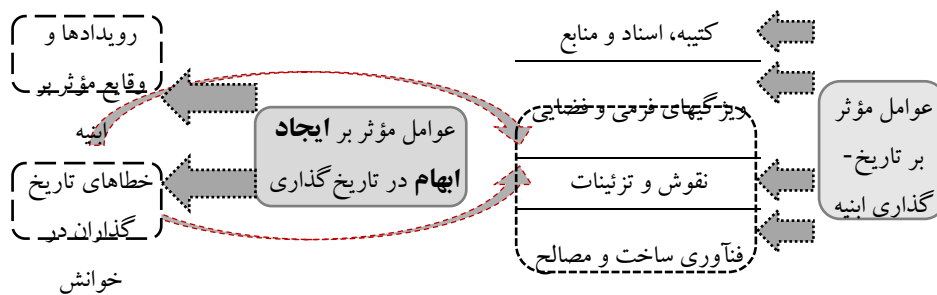
از سی و یک بنای مورد بررسی، هفده بنا در بخش خوانش کتیبه، دارای ابهام در تاریخ‌گذاری هستند (جدول ۱، شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۲۹). بیست بنا در

عواملی که در جدول ۱ مورد واکاوی قرار گرفت عواملی بودند که سبب تردید در تاریخ‌گذاری این بناها نیز شده‌اند. این عوامل خود اشاره به عواملی دارند که ماهیت تاریخ‌گذاری بنای مورد نظر را با تردید مواجه کرده است. در مواردی همچون مسجد جامع اشترجان و مقبره پیربکران وجود شواهد متعدد گواه از سلسله تغییراتی می‌دهد که اهداف آن امروزه برای ما مشخص نیست. ولیکن این اهداف بی‌ارتباط با اهداف اعتقادی حکومت وقت نیز نبوده است. واکاوی مصادیق منتخب نشان می‌دهد عواملی که در تاریخ‌گذاری ابنیه مؤثر هستند؛ شامل کتیبه، اسناد، منابع، ویژگی‌های فرمی و فضایی، نقوش و تزئینات، فن‌آوری ساخت و مصالح هستند. از طرف دیگر مشخص شد عواملی که بر ایجاد ابهام در تاریخ‌گذاری ابنیه مؤثر هستند شامل رویدادها و وقایع مؤثر بر ابنیه و نیز خطاهای تاریخ‌گذاران در خوانش تاریخ ابنیه هستند، که هر دوی این عوامل از همان عواملی تأثیر می‌گیرند که بر تاریخ‌گذاری ابنیه مؤثرند (نمودار ۲).

شناخت مؤلفه نقوش و تزئینات دارای ابهام بوده‌اند (سایر بناها به جز موارد ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۸، ۲۲، ۲۳ و ۲۴). مؤلفه فن‌آوری ساخت و مصالح در ایجاد خطا در ۸ بنا نقش داشته است (۲، ۱۰، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۲۲، ۲۳ و ۲۴). متون و منابع در ایجاد ابهام در تاریخ‌گذاری ۱۲ بنا (یعنی بناهای ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۳۰ و ۳۱) مؤثر بوده است.

بدین ترتیب ابهام در شناخت فرم و فضای بناها به عنوان مهمترین مؤلفه مؤثر بر ایجاد ابهام، تقریباً در تمامی بناهای مورد بررسی دیده می‌شود. خوشبختانه انجام کاوش‌های باستان‌شناسی، توانسته است به ابهام در تاریخ‌گذاری برخی از موارد یادشده پایان دهد و یا نظرات ارایه شده پیشین را به چالش بکشد. (رجوع شود به جدول ۱، شماره-های ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۹ و ۳۱).

۷- جمع‌بندی به منظور تبیین روش مناسب در تاریخ‌گذاری



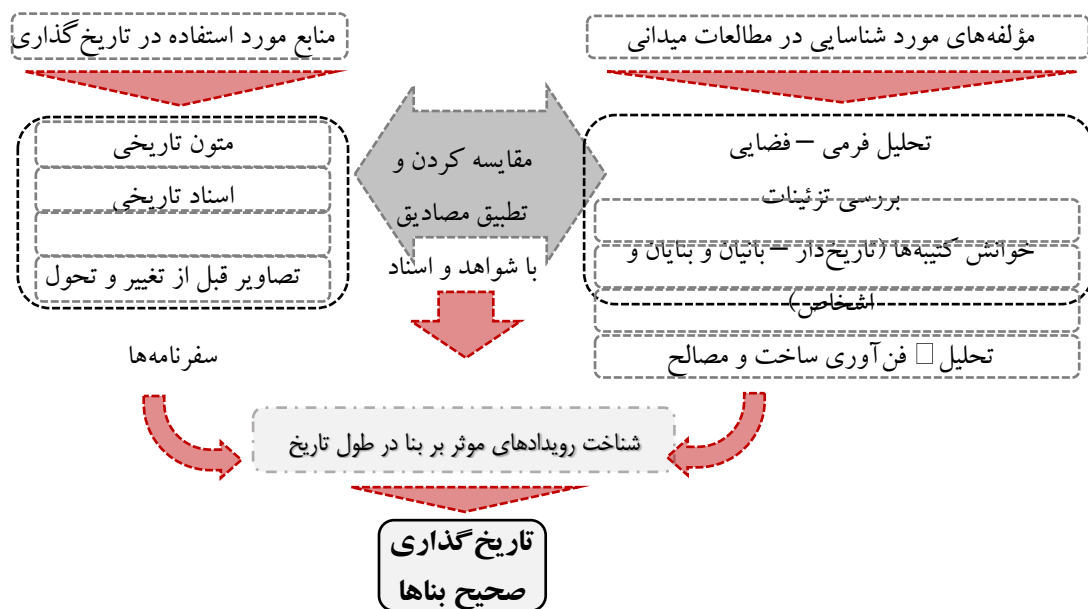
نمودار ۲- رابطه عوامل مؤثر بر تاریخ‌گذاری ابنیه تاریخی و عوامل مؤثر بر ایجاد ابهام در تاریخ‌گذاری ابنیه

تاریخی

روش‌های ممکن جهت تاریخ‌گذاری صحیح به کار گرفته شود. ضمناً از آنجا که متون، اسناد و تصاویر به عنوان منابع درجه اول می‌توانند در جهت تاریخ‌گذاری تعیین‌کننده باشند، مقابله نتایج حاصل از مطالعات میدانی به روش‌های گفته شده (خوانش کتیبه‌ها؛ شناخت ویژگی‌های نقوش و تزئینات؛ فرمها و ...) با اسناد به‌دست آمده ضروری است. در این صورت می‌توان ادعا نمود که نتایج تاریخ‌گذاری با توجه به شواهد موجود و تحلیل‌های به‌دست آمده می‌تواند به نتایج صحیح‌تری منجر شود (نمودار ۳).

منطقی به نظر می‌رسد، تاریخ‌گذاری‌های انجام‌شده بر آثار قرون اولیه بعد از اسلام بیشتر متأثر از مؤلفه‌های فرمی و سازه‌ای آن‌ها باشد؛ زیرا گذر زمان بیشتر بر دو مؤلفه کتیبه و تزئینات تأثیر گذارند و ضمناً چنانچه تعمدی در تغییر تاریخ یک بنا باشد، این امر از طریق کتیبه‌ها و تزئینات ساده‌تر است از تغییرات سازه‌ای و فرمی بنا.

نتایج مطالعات تاریخ‌گذاری انجام شده در مصادیق معرفی شده در هر بخش نشان می‌دهد، چنانچه در یک بنا امکان مطالعه هر کدام از روش‌های معرفی شده در بالا وجود داشته باشد، لازم است همه



نمودار ۳- روش شناسی تاریخ‌گذاری ابنیه تاریخی (مأخذ: نگارنده)

۸- نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل نمونه‌ها نشان داد موثرترین عامل ایجاد ابهام در خوانش مبدا تاریخی ابنیه دوره ایلخانی ویژگی‌های فرمی و فضایی آن‌هاست. ویژگی‌های شناخته شده نقوش و تزئینات این دوره و پس از آن نادیده گرفتن یا خطا در خوانش کتیبه‌های موجود، بیشترین تأثیر را در ابهام و ایجاد خطا در تاریخ‌گذاری ابنیه این دوره فراهم آورده است. این موضوع نشان می‌دهد تغییراتی که بر ساختار اولیه بناها به صورت فرمی و

فضایی ایجاد شده چه میزان توانسته بر تاریخ‌گذاری نادرست این ابنیه موثر باشد. این تغییرات بنیادین عمدتاً در تغییر حکومت‌ها رخ داده است. قسمت دیگری از ابهامات تاریخ‌گذاری که توسط محققان صورت گرفته به علت بدخوانی کتیبه‌ها، شناخت نادرست از تزئینات و نقوش دوره، و مشخص نبودن و تشخیص نادرست فناوری ساخت زمانه و مصالح مورد استفاده است. این عدم هم‌نواپی و نبود وحدت میان عناصر تشکیل دهنده بنا، به سبب تغییرات و تخریب‌های مکرر در کلیت بنا و تغییر هرآنچه جزئی از هویت و ویژگی سازه‌های این دوره است، در قیاس با ساختارهای مشابه منجر به ابهام در تاریخ‌گذاری می‌شوند. (پاسخ به پرسش اول)

از این رو به منظور جلوگیری از خطا در تاریخ‌گذاری بناهای این دوره، پژوهشگر تاریخ بنا، ضمن توجه به مولفه‌های یادشده، از ویژگی‌های فرمی و فضایی زمانه، نقوش و تزئینات بنا، مصالح و فناوری ساخت اثر، بایستی از اسناد موجود، بهره گرفته و با شناخت رویدادهای دوره تاریخی به نتیجه‌گیری و تعیین مبدأ تاریخی اثر پردازد. (پاسخ به پرسش دوم)

پی‌نوشت

1. Demotte

۲. "تزئینات مغولی" در متن گذار اشاره به تزئینات دوره ایلخانی دارد.

منابع

کتاب‌ها

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۲). مطلع الشمس. ۳ جلد، مترجم: محمد پیمان، تهران: پیشگام.
- بحرالعلومی، فرانک. (۱۳۹۲). روش‌های سالیابی در باستان‌شناسی. تهران: سمت.
- بلر، شیلا. (۱۳۸۷ الف). معماری ایلخانی در نطنز: مجموعه مزار شیخ عبدالصمد. مترجم: ولی‌الله کاوسی، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- بلر، شیلا. (۱۳۹۴). نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران زمین. مترجم: مهدی گلچین عارفی، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- پوپ، آرتور. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. جلد ۳، مترجم: سیروس پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ثبوتی، هوشنگ. (۱۳۷۰). بررسی آثار تاریخی سلطانیه. زنجان: هوشنگ ثبوتی.
- جنابدی، میرزا بیگ حسن. (۱۳۷۸). روضه‌الصفویه. مترجم: غ. طباطبائی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- حاجی قاسمی، کامبیز و همکاران. (۱۳۸۳ الف). مساجد جامع. جلد ۷، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، روزنه.
- حاجی قاسمی، کامبیز و همکاران. (۱۳۸۳ ب). امامزاده‌ها و مقابر. جلد ۱۱، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، روزنه.
- دیولافوا، ژان. (۱۳۸۵). ایران کلد و شوش. مترجم: علی محمد فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین. (۱۳۸۸). اسناد معماری ایران. دفتر نخست. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری. فسایی، حسن‌بن‌حسن. (۱۳۸۲). فارسنامه ناصری. ۲ جلد، تهران: امیرکبیر.
- فیض قمی، عباس. (۱۳۵۰). گنجینه آثار قم. ۲ جلد، قم: مهر استوار.

- گدار، آندره. (۱۳۸۷). آثار ایران. ۴ جلد، مترجم: ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- گلچینی مقدم، نسرين. (۱۳۸۶). تاریخ شناسی معماری ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- گیرشمن، رمان. (۱۳۷۴). ایران از آغاز تا اسلام. مترجم: محمد معین، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجتبی، سید حسین. (۱۳۷۴). جغرافیای تاریخی گناباد، پژوهشی در جغرافیای تاریخی گناباد، کاخک، بجنستان و بیدخت. مشهد: مرندیز.
- مخلص، محمدعلی. (۲۵۳۶). آثار تاریخی سمنان. بی جا.
- مصطفوی، محمدتقی. (۱۳۸۱). هگمتانه: آثار تاریخی همدان و فصلی درباره ابوعلی سینا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مقری، علی اصغر. (۱۳۵۹). بناهای تاریخی خراسان. مشهد: اداره کل فرهنگ خراسان.
- ملازاده، کاظم. (۱۳۷۹). مساجد تاریخی؛ دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی ۳. تهران: حوزه هنری.
- موسوی، سید محمود. (۱۳۷۰). توس: شهر خفته در تاریخ. تهران: معاونت پژوهشی میراث فرهنگی کشور.
- مولوی، عبدالحمید. (۲۵۳۵). آثار باستانی خراسان. ۲ جلد، تهران: انجمن آثار ملی.
- نراقی، حسن. (۱۳۴۵). تاریخ اجتماعی کاشان. تهران: دانشگاه تهران.
- واتسون، آلپور. (۱۳۹۰). سفال زرین فام ایرانی. مترجم: شکوه ذاکری، تهران: سروش.
- ویلبر، دونالد نیوتن. (۱۳۶۵). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان. مترجم: عبدالله فریار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- هرتسفلد، ارنست. (۱۳۸۱). ایران در شرق باستان. مترجم: همایون صنعتی زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله. (۱۳۹۴). جامع التواریخ (تاریخ مبارک غزالی). مترجم: روشن، م.، و موسوی، م.، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- هنرفر، لطف الله. (۱۳۵۰). گنجینه آثار تاریخی اصفهان، آثار باستانی و الواح و کتیبه های تاریخی در استان اصفهان. اصفهان: ثقفی.

مقالات

- انیسی، علیرضا. (۱۳۸۹). مسجد جامع فهرج ارزیابی مجدد. هیت شهر، ۷: ۱۵-۲۲.
- آزاد، میترا. (۱۳۹۳). بررسی سه مناره مهم دوره سلجوقی (چهل دختران اصفهان، تاریخانه دامغان و مسجد جامع ساوه). مطالعات معماری ایران، ۵: ۳۹-۵۶.
- آیت الله زاده شیرازی، باقر. (۱۳۵۹). مسجد جامع اردستان. اثر، ش ۱، ۶-۵۱.
- بلر، شیلا (۱۳۸۷ ب). مدرسه زوزن: معماری اسلامی در شرق ایران در سحرگاه تهاجم مغول. مترجم: میثم جلالی، تاریخ پژوهی، ۳۶ و ۳۷: ۱۲۹-۱۵۱.
- تنهایی، زهرا؛ قنات، عبدالرحیم و معزی، مریم (۱۳۹۱). آسیب شناسی آثار معماری ایران از ظهور اسلام تا قرن هفتم هجری. مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، ۸۸: ۸۱-۱۱۲.
- خودداری نایینی، سعید، پاکتژاد، مهدی. (۱۳۸۶). بررسی تزیینات محراب های مسجد جامع ساوه مطالعات هنر اسلامی. ۷: ۱۱۱-۱۳۲.
- دانشدوست، یعقوب (۱۳۶۴). نکاتی درباره مقاله مجموعه تاریخی تربت جام. اثر، ۱۰ و ۱۱: ۵۸-۷۶.
- سیرو، ماکسیم. (۱۳۵۹ الف). تطور مساجد روستائی در اصفهان، مترجم: کرامت الله افسر. اثر، ۱: ۵۲-۷۸.
- سیرو، ماکسیم. (۱۳۵۹ ب). تطور مساجد روستائی در اصفهان، مترجم: کرامت الله افسر. اثر، ۲ و ۳: ۱۴۰-۱۵۹.

- شکفته، عاطفه (۱۳۹۱). ویژگی‌های بصری شاخص تزئینات گچ‌بری معماری عصر ایلخانی، مطالعات معماری ایران. ۲: ۷۹-۹۸.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، حسنی، میرزا محمد. (۱۳۹۵). نقش کتیبه‌های خواننده نشده مسجد سنگی داراب در شناسایی کارکرد و تاریخ ساخت بنا. پژوهش‌های علوم تاریخی، (۸): ۸۱-۹۴.
- صالحی کاخکی، احمد، عزیزپور، شادابه، رحیمی آریایی، افروز، بانک، فاطمه. (۱۳۹۳). تحلیل ساختار فضایی - کالبدی مسجد جامع اردستان با تفکیک لایه‌های تاریخی، مرمت و معماری ایران. (۴): ۳۳-۴۶.
- عدل، شهریار. (۱۳۶۴). کتیبه‌ای نو یافته در بسطام و برج آرامگاهی ازمیان‌رفته حسام‌الدوله در ساری. اثر، ۱۰ و ۱۱: ۱۷۵-۱۸۳.
- فرهنگد بروجنی، حمید. سلیمانی، پروین. (۱۳۹۱). گونه‌شناسی تزئینات گنبد غفاریه مراغه بر اساس الگوی تطبیقی، مطالعات هنر اسلامی. ۱۶: ۸۹-۱۰۰.
- قوچانی، عبدالله، آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر. (۱۳۶۷). بررسی کتیبه‌های تاریخی مجموعه نطنز و مسجد جامع نائین. اثر، ۲۶ و ۲۷: ۱۳۲-۱۴۲.
- کلایس، ولفرام. (۱۳۸۱). برج‌های آرامگاهی و امام‌زاده‌های شمال ایران. مترجم: فرانک بحرالعلومی، وقف میراث جاویدان، ۳۷: ۱۱۷-۱۳۰.
- لاله، هایده. (۱۳۸۰). تجلی قرآن، در معماری اسلامی مسجد جامع اشترجان. علوم قرآن و حدیث: گلستان قرآن، ۷۱: ۲۱-۲۶.
- لاله، هایده. (۱۳۸۱). برسیان، مسجد، دایره المعارف بزرگ اسلامی. ۱۱: ۷۱۵-۷۱۹.
- مخلص، محمدعلی. (۱۳۷۲). بررسی اجمالی در منار مسجد جامع سمنان، میراث فرهنگی. ۱۰ و ۱۱: ۴۲-۴۹.
- مطلبی، زهره. اصلانی، حسام. (۱۳۹۳). شناسایی و معرفی نقوش تزئینات گچ‌بری و آجرکاری محراب مسجد جامع برسیان. پژوهش هنر، (۴): ۷۱-۸۵.
- مکی‌نژاد مهدی، آیت‌اللهی حبیب‌الله، هراتی محمد مهدی. (۱۳۸۸). تناسب و ترکیب در کتیبه محراب مسجد جامع تبریز. هنرهای تجسمی (هنرهای زیبا)، ۴۰: ۸۱-۸۸.
- منصوری، سید امیر، آجورلو، بهرام. (۱۳۸۲). بازشناسی ارک علیشاه تبریز و کاربرد اصلی آن. هنرهای زیبا، ۱۶: ۵۷-۶۸.
- نظری ارشد، رضا (۱۳۹۱). نگاهی نو به یادمان تاریخی - معماری گنبد علویان همدان بر اساس مطالعات باستان‌شناختی. گزارش‌های باستان‌شناختی، ۸: ۱۶۷-۲۰۰.
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۷۳). از مسجد دیلمی جورجیر تا قبه سلجوقی تاج‌الملک: رازهای معماری اصیل ایرانی. هنر، (۱): ۲۵-۶۷-۷۸.

Original Research Article

Recognizing the Factors Affecting the Ambiguity in the Dating of the Religious Monuments of the Seventh and Eighth Centuries A.H.

Mohammad Ali Sheikholhokamaei¹, Shervin Mirshahzadeh^{2*}, Seyed Gholamreza Islami³, Zahra Fanaei⁴

1- Department of Architecture, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

2- Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3- Department of Architecture, Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

4- Department of Art, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Abstract

The most important element in knowing the identity of any building is its history. The history of a building means knowing the building in its historical context so that it can be fully understood in terms of its formation. It is, therefore, important to know the historical origins of any building and the period in which it was shaped and changed. A review of what is known about the historical origins of Iran's religious monuments, especially according to the records written in the 7th and 8th centuries A.H., shows that scholars who have been active in this field, despite their efforts, lack a deep knowledge of the geographical-natural context of Iran on the one hand and the socio-political-religious events on the other hand. The results of their studies are associated with errors. So, there is a lot of ambiguity about the factors involved in the dating of the 7th and 8th centuries A.H. buildings and the effects of the social, religious, and political developments of the Ilkhanid period on the physical changes in the religious buildings of this period. The present study seeks to identify the factors that have influenced the dating of the works of the seventh and eighth centuries A.H. by analyzing numerous instances. It also seeks to identify the relationship between physical changes and the political, social, and religious changes that took place during the Ilkhanid period. The analyses are conducted based on physical, documentary and historical studies. The results of the study show that most of the errors are induced by changes in the structures of this period, either in the spatial organization of buildings, the incorporation of decorations in later periods, or the use of various inscriptions in buildings. It can be said that the changes have mostly occurred with political-religious motives. The series of events that took place during the Ilkhanid era, from the beginning to the end, can be summarized in five waves. They include architectural dependency, the era of beginning and transformation, the period between transition and independence, the period of independence and production, and the period of isolation. The religious beliefs of the rulers also differed in each of these waves. From the Buddhist and Shamanic beliefs to the various forms of Islamic belief, each has an impact on the religious structure of this period. Finally, the factors influencing the ambiguity in the dating of the buildings in this period include a) the route of the Mongols' movement and the destruction of cities as the main factor affecting the construction and production technologies of this period and b) the socio-political and religious changes of rulers and their impacts on the construction of buildings constructed. These factors have jointly caused inconsistencies in the decoration, motifs and inscriptions of the building during this period.

Keywords: Dating, Religious buildings, The 7th and 8th centuries A.H., Ilkhanid architecture, Motifs and ornaments

*Email: She.Mirshahzadeh@iauctb.ac.ir